

# اسطوره‌های بین‌النهرینی

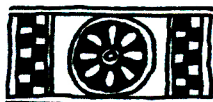
هنریتا مک‌کال

ترجمه‌ی عباس مخبر



## فهرست

۷	یادداشت مترجم
۸	یادداشت نویسنده
۹	مقدمه
۱۳	کشف و رمزگشایی
۲۴	تعاریف و سنت ادبی
۳۴	خدایان و میرندگان، مؤلفان و مخاطبان
۳۴	خدایان
۳۹	میرندگان
۴۶	مؤلفان
۴۷	مخاطبان
۵۱	گیلگمش و توفان
۶۸	اسطوره اتره خسیس
۷۲	حماسه آفرینش
۸۲	اسطوره‌های کوچکتر
۸۲	حماسه اژرا
۸۶	اِنَّه
۹۰	اَدَبَه
۹۱	حماسه آنزو
۹۵	فرود ایشتر به جهان زیرین
۹۸	نرگل و اِرشکیگل
۱۰۲	اسطوره و معنا
۱۰۹	پیشنهادهایی برای مطالعه بیشتر
۱۱۱	فهرست راهنما



## کشف و رمزگشایی

در نیمه اول قرن هفدهم یک اشرافزاده ایتالیایی آداب‌دان و تحصیل‌کرده به نام پیترو دل‌واله، رهسپار سفری خارق‌العاده به شرق شد. وی سفر خود را از ونیز آغاز کرد و به قسطنطنیه و اسکندریه رفت، از طریق صحرای سینا به اهرام بازگشت، فلسطین را با کاروان طی کرد، و به دمشق، حلب و بغداد رفت. در آنجا با یک زیباروی مسیحی نسطوری ازدواج کرد، و یک سال بعد، همراه با عروس خود بار دیگر عازم سفر شد. آنها به اصفهان و سپس تخت‌جمشید، پایتخت هخامنشیان در ایران (۵۵۹ تا ۳۳۱ ق.م) رفتند. دل‌واله یکی از نخستین سیاحانی بود که شکوه و عظمت این بنا را توصیف کرد. وی همچنین شماری از خطوط کنده شده بر دروازه‌های این قصر را که به سه روایت مختلف و با یک خط عجیب گوه‌ای شکل نوشته شده بود نسخه‌برداری کرد.

وی دوازده سال بعد به زادگاه خود رم بازگشت، و در راه بازگشت از هند نیز دیدار کرد. همسرش حدود ده سال قبل فوت کرده بود، و پیکر مومیایی شده‌اش او را همواره همراهی می‌کرد. همچنین نسخه‌هایی از کتیبه‌های تخت‌جمشید را نیز به همراه داشت. این نخستین برخورد غرب با این خط مرموز و عجیب غریب بود.

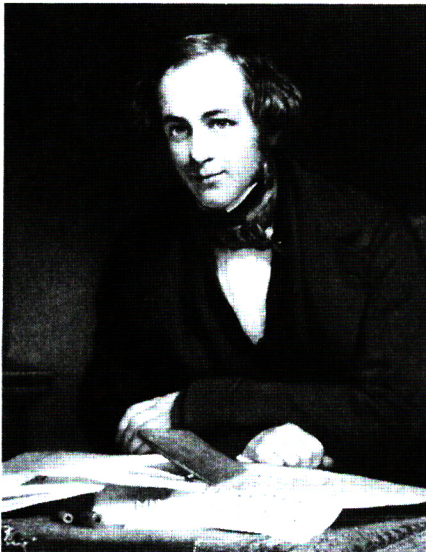
در سال ۱۷۰۰ توماس هاید، استاد کرسی زبان عبری در آکسفورد، در مقاله‌ای تحت عنوان «علامت هرمی یا میخی»<sup>۱</sup> به بحث درباره یافته‌های دل‌واله پرداخت، و این خط گوه‌ای شکل به خط میخی معروف شد. اما کشف رمز این خط در سال‌های بعدی صورت گرفت.

گئورگ فریدریش گروتفند آلمانی دریافت که سه روایت دل‌واله از کتیبه تخت‌جمشید، سه زبان مختلف را به نمایش می‌گذارد: فارسی باستان، ایلامی و بابلی که

1. Dactuli Pyramidales seu Cuneiformes

هیچ یک از آنها فهمیده نشده بود. گروتفند تصمیم گرفت کار خود را از روایت فارسی باستان آغاز کند، و در سال ۱۸۰۲ توانست ترجمه قانع‌کننده‌ای از آن ارائه دهد. در این میان، پژوهشگرانی از فرانسه، آلمان و دانمارک نیز روی همین نوشته کار می‌کردند، زیرا نسخه دیگری از آن نیز توسط یک دانمارکی به نام کارستون نیبور تهیه شده، و در سال ۱۷۷۲ انتشار یافته بود.

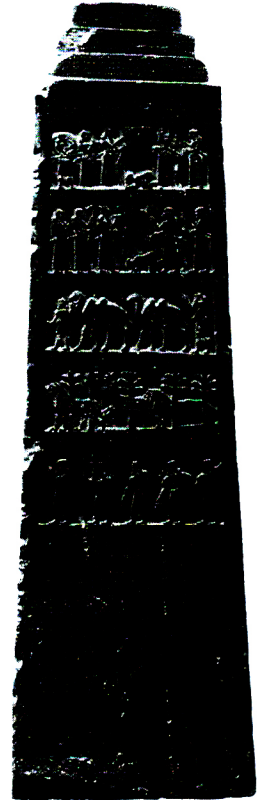
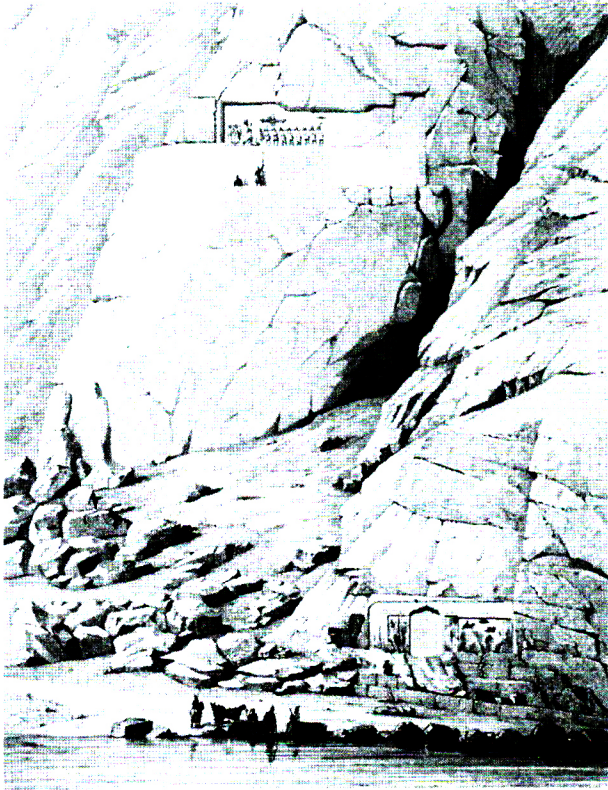
اما نخستین کسی که ترجمه‌ای قانع‌کننده از یک کتیبه فارسی باستان به دست داد، یک انگلیسی به نام هنری کرسویک راولینسون بود که در سال ۱۸۳۸ این کشف خود را به صورت مقاله‌ای در انجمن آسیایی سلطنتی در لندن قرائت کرد. بر اساس یادداشتی در زندگینامه خود نوشت او «مطالعه کتیبه‌های میخی فارسی را» فقط سه سال قبل، «هنگامی که در کرمانشاه مستقر شده بود آغاز کرده بود...». راولینسون در سال‌های ۱۸۳۵ و ۱۸۳۶ قسمت فارسی باستان یک کتیبه سه زبانه را نسخه‌برداری کرد؛ این نوشته در محل مرتفعی در دل یک کوه در بیستون، واقع در غرب ایران کنده شده بود. در سال ۱۸۴۴ بار دیگر به همان ارتفاع صعود کرد تا بخش بابلی آن را نسخه‌برداری کند. این کار سه سال به طول انجامید: وی با کمک یک پسر بچه محلی چابک و با استفاده از طناب و نردبان، عمود بر صخره محل کتیبه بالا کشیده شد، و در حالی که به طرز خطرناکی در ارتفاع ۱۰۰ متری زمین معلق بود، نخست کتیبه‌ها را تمیز کرد و سپس از



هنری کرسویک راولینسون



پیترو دلاواله



(سمت چپ): کتیبه سه قسمتی به خط میخی واقع در ارتفاعات صخره‌ای در بیستون  
(سمت راست): ستون هرمی شکل سیاه شلمنصر سوم

آنها نسخه‌برداری نمود. وی ظرف مدت دو سال از حدود ۶۰۰ علامت موجود ۲۴۶ علامت را به درستی کشف رمز کرده بود. انجمن آسیایی سلطنتی در سال ۱۸۵۲ کار پیشتاز او را منتشر ساخت.

در این میان علاقه به مسائل آشوریان در اروپا رو به افزایش نهاده بود. در ماه مارچ سال ۱۸۴۳ پل امیل بوتتا شروع به کاوش در خورس آباد کرده بود که به وسیله سارگون دوم در پایان قرن هشتم ق م به عنوان پایتخت جدید احداث شده بود. بوتتا تقریباً بلافاصله قاب‌هایی از سنگ آهک را کشف کرد که نقوش برجسته‌ای روی آنها حک شده بود. در سال ۱۸۴۵ آستون هنری لیارد کاوش در نمروود یا کالج تورات را آغاز کرد که آشور ناصرپال دوم در سال ۸۷۹ ق م به عنوان پایتخت جدید خود احداث کرده بود.